

مفهوم «اهل بیت (ع)» و شمول مصداقی آن از منظر علمای اهل سنت

علی رضا میرزایی*

[تاریخ دریافت: ۹۷/۰۲/۲۶ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۵/۱۵]

چکیده

اهل بیت (ع) به گروهی از منسوبان نسبی پیامبر (ص) اطلاق می‌شود که حاصل پیوند ازدواج علی (ع) و فاطمه (س) هستند. این تلقی شیعه از مفهوم اهل بیت (ع) است. دانشمندان اهل سنت ضمن پذیرش کلی این تعریف و مسلم دانستن آن می‌کوشند دایره اهل بیت را به برخی منسوبان دیگر و همسران پیامبر (ص) تسری دهند. در ادبیات آنها، صدق عنوان «اهل بیت» بر تعریف شیعی قطعی است، ولی با تردید و اعتقاد به تشتت دیدگاه‌ها، با تکلف، دیگران را هم وارد عنوان «اهل بیت» می‌کنند. در این تلاش، معنای لغوی «اهل» و «بیت» بیشتر مطمح نظر است. البته اضطراب در کلام در تعیین ملاک عضو «اهل بیت» بودن، به وضوح خود را نمایان می‌کند. زیرا آنها معتقدند صدقه بر اهل بیت (ع) حرام است. با این ملاک، دامنه مصداقی «اهل بیت» محدود می‌شود و همسران پیامبر (ص) از آن خارج می‌گردند. با احتساب این ملاک، علاوه بر آل علی، ممکن است آل جعفر، آل عقیل و آل عباس نیز در شمول مصداقی «اهل بیت» داخل شوند. اما در تاریخ مکتوب اهل سنت، هر جا «اهل بیت (ع)» و «ائم اهل بیت (ع)» به صورت مطلق به کار رفته، یا در آیات قرآنی همچون آیه تطهیر و مباحله یا موضوعات اختلافی، اهل بیت (ع) به مفهوم شیعی آن مد نظر بوده است. در این مقاله می‌کوشیم ضمن بیان مفهوم «اهل بیت (ع)» و شمول مصداقی آن، استعمال این عنوان را در ادبیات علمای اهل سنت بکاویم.

کلیدواژه‌ها: اهل بیت (ع)، اهل سنت، شیعه، ائم اهل بیت (ع)، همسران پیامبر (ص)، منسوبان پیامبر (ص).

مقدمه

اهل بیت پیامبر (ص) به دلیل انتساب شرفی به آن حضرت (ص)، وجود خصلت‌های ممتاز و ادامه‌دهنده راهبرد تعیین‌شده پیامبر (ص)، در اندیشه متفکران مسلمان جایگاه ویژه‌ای دارند. نحوه رویکرد به اهل بیت (ع) پایگاه و جایگاه افراد را در اسلام مشخص می‌کند. این سرمایه ارزشمند اسلامی عامل همگرایی در بین فرق مختلف مسلمانان است. مسئله مهم، افراد مشمول این عنوان هستند. به چه کسانی از منسوبان پیامبر (ص) بر اساس مستندات دینی و تاریخی، اهل بیت (ع) اطلاق می‌شود؟ مفهومی که شیعه از اهل بیت (ع) دارد، محل توافق جمیع فرق اسلامی است. اما افراد خارج از این تلقی محل اختلاف است و در بین اندیشمندان اهل سنت نظر اتفاقی در این زمینه نمی‌توان یافت.

«اهل بیت» متشکل از دو کلمه «اهل» و «بیت» است. مراد از «بیت» در نصوص دینی، خانه خشت و گلی نیست، بلکه مراد «خاندان رسالت» است که با رسول خدا (ص) در آن صقع رفیع رسالتی سنخیت دارند. تعبیری از قبیل «انه لیس من اهلک؛ او از اهل تو نیست» (هود: ۴۶)، «والسلمان منا اهل البیت؛ سلمان از ما اهل بیت است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۸۵/۱۰۸) ناظر به شایستگی افراد در انتساب و سنخیت‌داشتن یا سنخیت‌نداشتن آنها با منسوب‌الیه است.

واژه‌شناسی

بررسی درست و همه‌جانبه این واژه در روشن‌شدن معنا و مصداق آن تأثیر مستقیم دارد. «اهل» وقتی به شیء یا شخصی اضافه شود، که غالباً نیز چنین است، به مناسبت مضاف‌الیه معنای دیگری از آن فهمیده می‌شود. جمعی کلمه «اهل بیت» را به ساکنان خانه معنا کرده‌اند (ابن فارس، بی‌تا: ۹۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۸۶/۱؛ الخوری الشرتونی، ۲۰۰۹/۱۴۳۰: ۲۳/۱). فیومی پس از معناکردن «الاهل» به «اهل بیت» گفته است: «اصل در آن، خویشی است» (فیومی، ۱۴۰۵: ۶۸). راغب نیز از کاربرد مجازی «اهل بیت» درباره کسانی که با وی پیوند نسبی دارند، سخن گفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۸). بنابراین، می‌توان گفت «اهل بیت» در لغت به هر شخصی که ساکن خانه است، یعنی زن و فرزندان، اطلاق می‌شود و به معنای خویشاوندان او نیز به کار می‌رود. در عرف نیز به همین معنا است.

اصطلاح‌شناسی اهل بیت (ع)

آیا در خصوص پیامبر اسلام (ص)، «اهل بیت» به معنای منسوبان و ساکنان خانه ایشان است؟ در تاریخ مسلم است که پیامبر (ص) همسران گوناگون و بیوت متعدد داشت. در تعبیر اسلامی و نصوص دینی، حتی یک بار از تعبیر «اهل بیوت» به صورت جمع استفاده نشده است.

با تأمل و نظر سنجیده باید گفت در خصوص حضرت ختمی مرتبت (ص)، چون بیت آن حضرت محل نزول وحی و بیت نبوت نیز بوده، تعبیر «اهل بیت (ع)» درباره ایشان دو کاربرد پیدا می‌کند: گاهی اهل بیت پیامبر (ص) گفته می‌شود و از بیت، محل سکونت آن حضرت (ص) اراده می‌شود. در این صورت، تعبیر «اهل بیت» درباره آن حضرت (ص) نیز به همان معنایی است که درباره دیگران به کار می‌رود؛ یعنی به معنای خانواده یا به معنای مطلق خویشاوندان آن حضرت (سبحانی، بی‌تا: ۱۲)؛ ولی گاهی اهل بیت پیامبر (ص) با لحاظ ویژگی محل نزول وحی و بیت نبوت است. در این صورت به معنای ساکنان خانه، خانواده یا مطلق خویشاوندان آن حضرت نیست، بلکه منظور افرادی است که از نظر علمی و عملی و صفات انسانی، شایسته بیت آن حضرت‌اند (همان: ۱۴).

در اینجا باید به چند نکته توجه کرد:

۱. چون اهل بیت در معنای دوم (شایستگی) قابلیت تطبیق بر افراد مختلف را دارد، برای رفع ابهام توقع منطقی این است که از ناحیه شارع حد و حدود آن تعیین شود. از این رو، امکان دارد در تعیین شارع برخی افراد از اهل بیت به معنای اول نیز در این معنا داخل شوند یا بیرون روند. مثلاً خداوند به حضرت نوح (ع) درباره فرزندش می‌فرماید: «انه لیس من اهلک» (هود: ۴۶).

۲. شایستگی انتساب به بیت نبوت (در معنای دوم) مراتب گوناگونی دارد که بر اساس معیارهای خاص ذاتی یا اکتسابی افراد احراز می‌شود. به همین دلیل سلمان فارسی با عبارت «منا اهل البیت؛ وی از ما اهل بیت است» معرفی شده است.

۳. اهل البیت در لسان پیامبر خدا (ص)، در عالی‌ترین نمونه شایستگی انتساب به بیت نبوت، فقط بر افرادی خاص تطبیق شده و به صورت اصطلاح درآمده است، به گونه‌ای که هر گاه تعبیر «اهل بیت» (و گاه با افزودن کلمه «عترت» به آن) به کار

می‌رود، همین افراد به ذهن متبادر می‌شود؛ مانند «کتاب الله و عترتی اهل بیتی» (کلینی، ۱۴۲۹: ۲/۲۵؛ ابن حیون مغربی، ۱۳۸۵: ۱/۴۱۵)؛ در حدیث ثقلین: «مثل اهل بیتی کمثل سفینه نوح» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۲/۳۸۰؛ زمخشری، ۱۹۷۹: ۲/۲۶۸)؛ در حدیث سفینه: «اللهم هولاء اهل بیتی» (حسکانی، ۱۴۱۱: ۲/۱۰۶؛ قمی، ۱۴۰۴: ۲/۱۹۳)؛ در داستان مباحله و کسا: «اهل بیتی امان لامتی ...» (طوسی، ۱۴۱۴: ۲۵۹)؛ در حدیث نجوم: «اللهم صل علی محمد و آل محمد» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۲/۵۳۰)؛ در حدیث صلوات و

مراد از واژه «اهل بیت» در این پژوهش همین معنای اصطلاحی است که همواره در سیره نبی مکرم اسلام (ص) از آنان با ارجمندی، والایی و فضیلت یاد شده و با عنوان «دوازده خلیفه» توصیف شده‌اند (ابن حنبل، ۱۴۱۴/۱۹۹۴: ۲/۵۵). در پاره‌ای از روایات نقل شده که چون رسول خدا (ص)، حدیث ثقلین را بیان فرمود، برخی اصحاب پرسیدند: «ای رسول خدا! عترت شما چه کسانی هستند؟». فرمود: «علی، حسن، حسین و امامانی که از فرزندان حسین‌اند تا روز قیامت» (ابن طاووس، ۱۴۰۰: ۱/۱۷۳). این مضمون در روایات انبوه و متواتر شیعی و برخی روایات اهل تسنن از پیامبر خدا (ص) و سایر ائمه اهل بیت (ع) نقل شده است. با جست‌وجو در مدارک و منابع فریقین متوجه می‌شویم، کسی جز این دوازده پیشوا چنین ادعایی نکرده و نگفته که در زمره این دوازده خلیفه یا از افراد اهل بیت (ع) به این معنای اصطلاحی است.

پس معنای مد نظر از اهل بیت (ع) مفهوم شیعی آن است؛ یعنی خاندان نبی مکرم اسلام (ص) که از پیوند ازدواج امام علی (ع) و حضرت فاطمه (س) آغاز می‌شود و با ائمه اهل بیت (ع) تا حضرت حجت (عج) ادامه می‌یابد (محقق کرکی، ۱۴۱۴: ۱۰/۶۶). هرچند تعدادی از علمای اهل سنت، اهل بیت (ع) را علاوه بر خاندان علی (ع) و فاطمه (س) شامل همسران و آل عباس، آل عقیل و آل جعفر می‌دانند اما استعمال آن اغلب معطوف به مفهوم شیعی است. وقتی آنان از ائمه اهل بیت (ع) یا اهل بیت (ع) در اهل کسا و مباحله و ... نام می‌برند، ملتزم به همان برداشت شیعیان هستند و همسران و دیگر اعضای خاندان مشمول عنوان «اهل بیت» نمی‌شوند.

اهل بیت پیامبر (ص) چه کسانی هستند؟

در میان اندیشمندان اسلامی تردیدی در جایگاه والای اهل بیت (ع) وجود ندارد.

مهم‌ترین بحث در این زمینه، افراد مشمول عنوان «اهل بیت (ع)» است؛ یعنی افرادی از منسوبان پیامبر (ص) که معنوی به این عنوان‌اند. جامعه شیعه، اهل بیت (ع) را در خاندان نسبی و نه سببی، آن هم افراد خاصی از بنی‌هاشم و سلسله خاندان امام علی (ع) و فاطمه زهرا (س)، محدود می‌کند. دو واژه «آل» و «عترت» نیز از حیث شمول مصداقی در روایات با اهل بیت مترادف‌اند.

طوسی، از مفسران قرن پنجم (طوسی، بی‌تا: ۳۴۱/۸) و طبرسی، از مفسران قرن ششم (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۶۰/۸)، ضمن رد شمول مفهوم «اهل بیت (ع)» بر ازواج‌النبی (ص) (همسران پیامبر)، سیاق آیات و احادیث مربوط را دلیل قاطعی مبنی بر صحت نظر شیعه درباره مصداق اهل بیت (ع) می‌دانند. محقق کرکی درباره معنای «اهل بیت» و شمول مصداقی آن ادعای اجماع می‌کند: «اطبق اصحابنا و جمع من العامة علی انهم علی و فاطمة و ابناهما؛ علمای شیعه به اتفاق آرا و تعدادی از اهل سنت معتقدند اهل بیت (ع) شامل علی (ع) و فاطمه (س) و فرزندان آنها است» (محقق کرکی، ۱۴۱۴: ۶۶/۱۰). برخی از اهل سنت کوشیده‌اند افرادی غیر از این سلسله عظیم را ذیل مفهوم «اهل بیت» داخل کنند. اما در نهایت به همان مصداقی نزدیک می‌شوند که شیعه به آن معتقد است. هرچند در معنای موسع مد نظر آنها دخول مصداق مد نظر شیعه قطعی است. نظر دانشمندان اهل سنت که می‌کوشند ازواج و برخی اقربای رسول‌الله (ص) را ذیل «اهل بیت» وارد کنند، تحت تأثیر مفهوم لغوی «اهل بیت» است که به ساکنان و منسوبان یک خانه اطلاق می‌شود، اما با توجه به آیات قرآنی، همانند آیه تطهیر و احادیث نبوی (ص) و اختصاص احکامی خاص به اهل بیت (ع)، همانند تحریم صدقه و غیره، معنای مد نظر شیعه تعیین می‌یابد. در قرائت اهل سنت، مصداق «اهل بیت» فراتر از قرائت شیعه است و آل عباس و آل عقیل و آل جعفر را هم، علاوه بر آل علی (ع)، شامل می‌شود و صدقه بر آنها حرام است.

دقت نظر در به‌کارگیری اهل بیت (ع) در احادیث منقول در جوامع روایی اهل سنت، تعیین و تعیین مصداقی اهل بیت (ع) را در اصطلاح شیعه تأیید می‌کند. عمرو بن حزم از قول یکی از اصحاب پیامبر (ص) نقل می‌کند که مکرر می‌فرمود: «اللهم صل علی محمد و علی اهل بیتی و علی ازواجه و ذریته کما صلیت علی آل ابراهیم انک حمید مجید و بارک علی محمد و علی اهل بیتی و علی ازواجه و ذریته کما بارکت علی

آل ابراهیم انک حمید مجید؛ خدایا درود بفرست به محمد و اهل بیت و خانم‌ها و نسل او، همان‌طور که به آل ابراهیم برکت دادی که تو ستوده و ارجمندی» (ابن حنبل، ۱۹۹۴/۱۴: ۵۷/۹).

در این حدیث منقول در *المسند احمد بن حنبل*، با توجه به عطف سه کلمه به هم و جدایی آنها و حکم صلوات بر همه آنها، به صورت مضمّر اهل بیت (ع) از همسران و ذریه پیامبر (ص) جدا شده است. نظر به سیاق کلام و مترادف نبودن کلمات مذکور، جدایی مفهومی و مصداقی آنها قطعی است. پس تعیین مصداق اهل بیت (ع) در افراد خاصی از خاندان پیامبر (ص) و نه همه آنها از سیاق حدیث قابل اصطیاد است. در حدیث ذیل، که در تمام منابع معتبر اهل سنت ذکر شده، مصداق اهل بیت (ع) با اسم و مشخصات فردی تعیین شده است، به نحوی که قابل تسری به دیگران نیست. ام‌سلمه چنین روایت می‌کند:

ان النبی (ص) جلال علی علیّ و حسن و حسین و فاطمة کساء ثم قال: «اللّهم هولاء اهل بیتی و خاصتی، اللّهم اذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا». فقالت ام سلمة: «یا رسول الله (ص)! انا منهم؟». قال: «انک الی خیر»؛ پیامبر (ص) کسا را بر روی علی، فاطمه، حسن و حسین کشید و عرض کرد: «خدایا اینها اهل بیت من هستند. پلیدی را از آنان دور کن و آنان را پاک و پاکیزه گردان». در این هنگام ام‌سلمه عرض کرد: «آیا من هم از زمره آنان (اهل بیت) هستم». پیامبر (ص) فرمود: «شما انسان خوبی هستی» (همان: ۱۹۷/۹).

در حدیث ثقلین، که در صحیحین وارد شده، معنای «اهل بیت (ع)» به روشنی بیان شده و شامل ازواج پیامبر (ص) نمی‌شود و شمول آن محدود می‌شود و به صورت قطعی مفهوم شیعی را در بر می‌گیرد. بعد از سفارش پیامبر گرامی (ص) به کتاب‌الله و عترت خود سه مرتبه می‌فرماید: «اذکرکم الله فی اهل بیتی...». آنگاه حصین از زید ناقل روایت می‌پرسد: «من اهل بیت یا زید؟ ایس نساء من اهل بیت؟ قال: نساء من اهل بیته و لکن اهل بیته من حرم الصدقة بعده؛ و قال: من هم؟ قال: هم آل علی و آل عقیل و آل جعفر و آل عباس. قال: کل هؤلاء حرم الصدقة» (البخاری، بی‌تا: ۲۸۴/۹؛ النیشابوری، ۱۹۹۶/۱۴: ۶۳۰۰/۱۰).

مفهوم «اهل بیت (ع)» و شمول مصداقی آن از منظر علمای اهل سنت / ۴۷

احادیث مندرج در صحیحین محل عنایت خاص علمای اهل سنت است. چون حرمت صدقه شامل ازواج نبی (ص) نمی‌شود، پس در معنای اهل بیت (ع) داخل نخواهند شد.

در مقدمه کتاب حقوق آل‌البیت ابن تیمیه، که عبدالقادر عطا محقق آن است، مفهوم «آل بیت» چنین بیان شده است: «آل بیت النبی محمد (ص)، هم علی وجه التحقيق، علی فاطمة و اولادهما و من تناسل منهما حتی تقوم الساعة؛ با دقت نظر می‌توان گفت آل بیت نبی، حضرت محمد (ص)، علی و فاطمه و فرزندان آنان تا روز قیامت هستند» (ابن تیمیه، ۱۹۹۶/۱۴۰۷: ۵).

این برداشت، مطلب منقول از محقق کرکی را تأیید می‌کند و فقط شامل ائمه اهل بیت (ع) و فرزندان آنان می‌شود و آل عباس، آل عقیل و آل جعفر را در بر نمی‌گیرد. ابن تیمیه به تفصیل مصادیق اهل بیت را در پاسخ به این پرسش که «من هم اهل البیت؟» اهل بیت چه کسانی هستند؟ توضیح می‌دهد. او ضمن تصریح به وجوب احترام جانشینان و اهل بیت پیامبر (ص) و سابقین در اسلام در تفسیر آیه ۳۳ سوره احزاب می‌نویسد:

و قد روی (فی تفسیر آیه ۳۳ من سورة الاحزاب) الامام احمد والترمذی و غیرهما عن ام سلمة ان هذا الایة لما نزلت، اذار النبی (ص) کسائه علی علی و فاطمة والحسن والحسین، فقال اللهم هولاء اهل بیتی فاذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا، فلما قال هولاء اهل بیتی مع ان سیاق القرآن يدل علی ان الخطاب مع ازواجه، علمنا ان ازواجه و ان کن من بیه کما دل علیه القرآن فهولاء احق بان یكون اهل بیه، لان صلة النسب اقوی من صلة الصهر؛ امام احمد و ترمذی و دیگران نقل کرده‌اند که وقتی آیه نازل شد پیامبر (ع) کسای خود را بر روی علی، فاطمه، حسن و حسین قرار داد و عرض کرد خدایا اینها اهل بیت من هستند، پلیدی را از آنان دور گردان و آنها را پاکیزه نما. این رفتار پیامبر (ص) مبین این واقعیت است که افراد مذکور بیشتر از همسران پیامبر (ص) مستحق عنوان «اهل بیت» هستند. ابن تیمیه برای استحکام برداشت خود معتقد است نسبت نسبی قوی‌تر از سببی است (همان: ۲۶).

ابن تیمیه با استناد به روایت‌های منقول در کتب حدیثی اهل سنت بر انحصار اهل بیت در افراد خاص صحه می‌گذارد:

و ثبت فی صحیح مسلم عن زید بن ارقم انه قال خطبنا رسول الله (ص) بغدير فقال: اهل بيتي اذكرکم الله فی اهل بيتي، اذكرکم الله فی اهل بيتي، قيل لزيد بن ارقم و من اهل بيته؟ قال الذين حرموا الصدقة، آل علي، آل جعفر، آل عقيل و آل عباس؛ در صحیح مسلم، زید بن ارقم نقل می‌کند که پیامبر (ص) در غدیر برای ما خطبه خواند و سه مرتبه فرمود «اذكرکم الله فی اهل بيتي». از زید بن ارقم پرسیدند اهل بیت ایشان چه کسانی هستند؟ گفت کسانی که صدقه بر آنها حرام است که عبارت‌اند از: خاندان علی، خاندان جعفر، خاندان عقیل و خاندان عباس (همان: ۲۸).

غیر از خاندان علی (ع) افراد دیگری در خطبه غدیر و دیگر سفارش‌های پیامبر (ص) موضوع بحث نبودند. بنابراین، هرچند در تفسیر زید بن ارقم حرمت صدقه شامل خاندان دیگر از منسوبان پیامبر (ص) می‌شود اما در خطبه غدیر و دیگر وصیت‌های پیامبر (ص)، غیر خاندان علی (ع) کسان دیگری مد نظر نبودند.

در کتاب *منهاج السنة* در خصوص ورود ازواج النبی (ص) در شمول اهل بیت، با وجود رغبت و انگیزه بسیار برای آن، ابن تیمیه دچار تردید شده است. درباره اینکه اهل بیت پیامبر (ص) چه کسانی هستند، به نقل از ابن حنبل می‌نویسد: «در این باره دو قول وجود دارد؛ برخی ازواج النبی (ص) را جزء اهل بیت نمی‌دانند و برخی می‌دانند، همان‌طور که ازواج ابراهیم و لوط جزء آل بیت آنان بودند» (همان، ۱۳۲۱: ۲۱/۴).

قول نافعی دخول همسران پیامبر (ص) در ذیل عنوان «اهل بیت (ع)»، به طور مسلم گفتاری است منسوب به دانشمندان اهل سنت. چون با موضع منفی ابن تیمیه و اتباع او راجع به شیعه و استخفاف مقام علمی علمای آنها بعید است قول و عقیده‌ای منتسب به شیعه را در چنین موضوعاتی ذکر کند و برای آن در کنار موافقان نظریه، وزن علمی قائل شود.

پس در بین اندیشمندان اهل سنت اجماعی برای ورود همسران پیامبر (ص) در مفهوم «اهل بیت (ع)» وجود ندارد، در حالی که همه متفق‌اند آل علی (ع) از اهل بیت پیامبرند.

کاربرد «اهل بیت» در ادبیات دانشمندان اهل سنت تأییدی بر برداشت شیعه از این عنوان

در عرف اکثر علمای اهل سنت، اهل بیت (ع) به همان مفهوم و مصداق در نزد شیعیان به کار می‌رود. ذکر نمونه‌هایی از استعمال «اهل بیت» در کلمات بزرگان اهل سنت در مصادیق خاص، نشانه تعیین مصداقی اهل بیت در خاندان علی (ع) و فاطمه (س) است.

«عن انس بن مالک؛ ان النبی (ص) کان یمر ببیت فاطمة سة اشهر اذا خرج الی الفجر فیکول: الصلاة یا اهل البیت (انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا)» (احزاب: ۳۳)؛ روایت انس بن مالک متضمن رفتاری مستمر و معنادار مشیر به مصادیق اهل بیت از پیامبر (ص) به مدت شش ماه است که موقع نماز صبح وقتی از کنار خانه فاطمه (س) عبور می‌کرد می‌فرمود: «الصلاة یا اهل البیت»، «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا» (احزاب: ۳۳؛ ابن حنبل، ۱۹۹۴/۱۴۱۴: ۵۱۶/۴ و ۵۶۸ و ۴۵/۶).

جمله ابن مغازلی (متوفای ۴۸۳ ه.ق.) شاهد تعیین مصداقی اهل بیت است و سیاق جمله همان معنای مد نظر شیعیان را افاده می‌کند:

حدثنی موسی بن إسماعیل قال: حدثنی أبی عن أبیه، عن جدّه جعفر بن محمد، عن أبیه، عن جدّه علی بن الحسین، عن أبیه، عن جدّه علی علیهم السّلام أنّه قال: قال رسول الله صلّی الله علیه و آله: «فضل اهل البیت علی الناس کفضل البنفسج علی سائر الأدهان»؛ موسی بن اسماعیل از موسی بن جعفر از جعفر بن محمد از پدرش و او از جدش علی بن حسین و او از پدرش و او از جد ایشان علی نقل می‌کند که پیامبر (ص) فرمود: «فضل اهل البیت علی الناس کفضل البنفسج علی سائر الأدهان؛ فضیلت اهل بیت به دیگر مردم همانند برتری روغن بنفشه به دیگر انواع روغن‌ها است» (ابن مغازلی، بی‌تا: ۹۰).

ابوالحسن اشعری (متوفای نیمه اول قرن چهارم) از متکلمان برجسته اهل سنت و سرسلسله اصلی‌ترین فرقه کلامی آنها، درباره واژه «اهل بیت (ع)» کاربردی دارد که همانند کاربرد شیعیان است. او «اهل بیت» را بدون قید و به صورت مطلق در

مفهوم شیعی به کار برده است. پس این واژه منصرف به همان معنا و نشانه ظهور در آن است.

سلیمان بن جریر زیدی می‌گوید:

ان فرقة من الامامية تزعم ان الامر بعد النبي صلى الله عليه و سلم الى علي بن ابي طالب يصنع بالامامة ما احبّ ان شاء جعلها لنفسه و ان و لاها غيره كان ذلك جائزا ان كان ذلك عدلا و له في ذلك النيابة اذا نفى والتسليم ان شاء و رضى، و ان فرقة اخرى قالت ان الدين كله في يدى علي بن ابي طالب و انه يسند إليه و اوجبوا قطع الشهادة على سريره و ان الامامة بعده في جماعة اهل البيت غير انهم خالفوا الفرقة الاولى في شيئين: احدهما انهم يزعمون ان عليا تولى أبا بكر و عمر على الصحة و سلم بيعتهما والآخر انهم لا يثبتون العصمة لجماعة اهل البيت كما يثبت اولئك و لكنهم يرجون ذلك لهم و ان يصيروا جميعاً الى ثواب الله و رحمته؛ عدهاى از فرقه اماميه گمان می‌برند امامت و امارت مسلمانان بعد از پیامبر (ص) متعلق به علی بن ابی‌طالب است. با امامت هر گونه خواست می‌تواند رفتار کند. اگر خواست خود متصدی امامت می‌شود یا به دیگری وامی‌گذارد. گروهی دیگر از فرقه امامیه معتقدند دین راستین در اختیار علی بن ابی‌طالب است و امامت بعد از ایشان در جماعت اهل بیت جریان می‌یابد و گروهی هستند که در مخالفت با آنان معتقدند با اینکه امام علی محق است می‌تواند آن را (امامت را) به دیگری واگذارد و عصمت اهل بیت را قبول ندارند (ابوالحسن الاشعری، ۱۴۰۰: ۶۴).

در کلمات شهرستانی هم «اهل بیت» به همان معنای خاص شیعی استعمال می‌شود. این از قراین قطعی است که اطلاق کلام بدون ذکر قرینه وقتی معنای خاصی را افاده می‌کند، ظهور در حقیقت آن معنا دارد:

أكثرهم في زماننا مقلدون لا يرجعون إلى رأي واجتهاد. أما في الأصول فيرون رأي المعتزلة حذو القذة بالقذة و يعظمون أئمة الاعتزال أكثر من تعظيمهم أئمة اهل البيت و أما في الفروع فهم على مذهب أبى حنيفة إلا في مسائل قليلة يوافقون فيها الشافعي رحمه الله والشيعه (الشهرستاني، بی‌تا: ۱۸۹/۱).

شهرستانی از گروهی مقلد یاد می‌کند که به رأی و اجتهاد بی‌توجه‌اند. اینان در اصول تابع معتزله بوده و بیشتر از پیشوایان اهل بیت، به پیشوایان معتزله احترام می‌گذارند اما در فروع تابع ابوحنیفه و در مواضع محدودی موافق شافعی و شیعه هستند.

در ادبیات ابن ابی‌العز حنفی، از شارحان نظریات ابوجعفر طحاوی، از متکلمان برجسته حنفی، وقتی کلمه «اهل بیت» مطلق به کار می‌رود، به همان معنایی است که شیعیان به کار می‌برند: «و علی هذا فلا لوم علی الفرق الضالة المخالفة لاهل السنة، إذ ما رجعوا عند الاختلاف إلى أصولهم التي ارتضوها لأنفسهم، كاحتجاج الشيعة مثلاً، بكل ما يروى عن أئمة اهل البيت رضی الله عنهم، بدعوى أنهم معصومون». او معتقد است شیعه در مواضع اختلافی به پیشوایان اهل بیت رجوع، و به روایت اهل بیت احتجاج می‌کند. زیرا آنها را معصوم می‌داند! (ابن ابی‌العز الحنفی، ۱۴۰۴/۱۹۸۴: ۴۳).

در عبارت فوق دو مرتبه به صورت مطلق از «ائمه اهل بیت» نام برده شده است که در معنای شیعی کاربرد دارد و در عبارت ذیل نیز به آن تصریح شده است. هیچ‌کس در تاریخ شیعه برای غیرامامان از نسل امام علی (ع) و فاطمه (س) دعوی عصمت نکرده است. لذا ائمه اهل بیت (ع) شامل آل عباس، آل جعفر و آل عقیل نمی‌شود. او در مذمت رفتار شیعیان تحت عنوان نامناسب «الرافضة» می‌نویسد: «لا نتبرأ من أحد منهم - كما فعلت الرافضة! فعندهم لا ولاء إلا لبراء، أى لا يتولى اهل البيت حتى يتبرأ من أبي بكر و عمر؛ شيعة تولوا را همراه تبرأ می‌داند؛ یعنی دوستی اهل بیت را قرین تبرأ از ابوبکر و عمر کرده است» (همان: ۴۷۰).

محور این نوع تولأ و تبرأ ادعایی ابن ابی‌العز حنفی، فقط خاندان علی (ع) و صدیقه طاهره (س) است و شامل هیچ فرد دیگری نمی‌شود؛ چه صدقه بر آنها جایز باشد و چه نباشد. این مطلب درباره مطالب بیان‌شده از اشعری و شهرستانی هم صادق است. القرموشی از سلفی‌های معاصر در کتابی به نام *اهل البيت عند شيخ الاسلام/ ابن تیمیة بعد* از ذکر شش قول درباره مراد از «اهل بیت» نظریه قریب به علمای شیعه را تأیید می‌کند:

۱. کسانی که صدقه بر آنها حرام است، که نظر تمام علمای مذاهب چهارگانه و دیگران است. این نظر را ابن حزم، ابن تیمیة، ابن قیم، ابن حجر و دیگران ترجیح می‌دهند (القرموشی، ۲۰۱۳/۱۴۳۴: ۴۹).

سپس به اختلاف در مصداق کسانی می‌پردازد که صدقه بر آنان حرام است. او می‌گوید در این زمینه دو نظر وجود دارد:

الف. آنها بنی‌هاشم و بنی‌مطلب هستند. این نظر را شافعی پذیرفته و در روایتی احمد حنبل نیز قبول کرده است. برخی مالکی‌ها هم آن را قبول دارند و ابن‌حزم و ابن‌حجر و صنعانی و افراد دیگر نیز بر همین اعتقادند.

ب. آنها منحصر در بنی‌هاشم‌اند. این نظر ابوحنیفه و مالک است و در روایتی از احمد بن حنبل ذکر شده و ابن‌تیمیه آن را قبول دارد (همان).

قدر متیقن در این دو نظریه، دخول علی (ع) و فاطمه (س) و فرزندان گرامی آنها در مصداق اهل بیت است.

آنگاه این افراد در اینکه همسران پیامبر (ص) در شمار اهل بیت هستند یا نه اختلاف دارند. «فذهب الجمهور الى عدم دخولهن في آل محمد (ص) الذين تحرم عليهم الصدقة؛ جمهور، آنها را در شمول آل محمد (ص) که صدقه بر آنها حرام است، وارد نمی‌کند» (همان: ۵۰).

وی به روشنی بیان می‌کند که جمهور اندیشمندان اهل سنت، همسران پیامبر (ص) را جزء اهل بیت نمی‌دانند.

۲. همسران و ذریه، اهل بیت پیامبر (ص) هستند که نظر ابن‌عربی، از فرقه مالکی، است (همان: ۵۵).

افراد مهمی در بین قائلان به این نظریه از ائمه فکری اهل سنت دیده نمی‌شود.

۳. اهل بیت فقط همسران پیامبرند. این نظر منسوب به ابن‌عباس است که نظریه مختار عکرمه و عطاء و مقاتل است.

انتساب این قول به ابن‌عباس قطعی نیست و مقاتل از متهمان به مشبهه و مجسمه است (ابوالحسن الاشعری، ۱۴۰۰: ۱۵۳، ۲۰۹) و عکرمه در زمهره خوارج (ذهبی، ۱۴۰۵: ۱۱/۵، ۲۲؛ همان، بی‌تا: ۹۳/۳، ۹۴)؛ و قول این دو نفر در خور اعتنا نیست.

۴. اهل بیت (ع) منحصر در اهل کسا است. این نظر منسوب به ابوسعید خدری، انس، عائشه و ام‌سلمه است و ابوجعفر طحاوی آن را اختیار کرده است (القرموشی، ۲۰۱۳/۱۴۳۴: ۵۹).

از اصحاب پیامبر (ص) و همسران ایشان (مادر مؤمنان) و دیگر شخصیت‌های

مفهوم «اهل بیت (ع)» و شمول مصداقی آن از منظر علمای اهل سنت / ۵۳

کلامی مهم و در خور اعتنا، به این نظر معتقد نیستند. اگر این نظریه را در کنار قول اول و دوم قرار دهیم دخول اهل کسا در مفهوم اهل بیت (ع) به عنوان شاخص‌ترین شخصیت‌های آنها قطعی است اما دخول ازواج و دیگران مشکوک و مردود است.

۵. اهل بیت، امت و اتباع پیامبر (ص) تا روز قیامت است (همان: ۶۰).

۶. اهل بیت، پرهیزگاران امت پیامبر (ص) هستند (همان: ۶۳).

فرد مشهور و در خور اعتنایی برای دو قول مذکور دیده نمی‌شود و برخلاف ظاهر نصوص متعدد در این زمینه است.

قرموشی در نهایت نتیجه می‌گیرد که اهل بیت (ع) همان کسانی هستند که صدقه بر آنها حرام است: «از نظریه‌های مذکور، نظریه‌ای که می‌گوید اهل بیت کسانی هستند که صدقه بر آنها حرام است پذیرفتنی‌تر است. چون دلیل آن صریح و قوی است» (همان: ۶۴).

با توجه به انحصار مصداقی اهل کسا و تعیین آنها از جانب رسول مکرم اسلام (ص) و نگنجاندن همسر متقی پیامبر (ص)، ام‌سلمه، در جمع آنها، که مدارکش در کتب معتبر اهل سنت بیان شده (ابن حنبل، ۱۴۱۴/۱۹۹۴: ۱۷۷/۱۰)، قرموشی در استدراکی غیرمسموع با تکلف در صدد واردکردن ازواج‌النبی (ص) در مفهوم اهل بیت است. او می‌نویسد: «فرمایش پیامبر (ص) که فرمود «هؤلاء اهل بیتی» دلالت نمی‌کند که همسران ایشان داخل در اهل بیتش نیستند، بلکه دلیل بر این است که اهل کسا اولویت بیشتری به این وصف دارند» (القرموشی، ۲۰۱۳/۱۴۳۴: ۷۵).

به این طریق تطورات کاربرد «اهل بیت» در نهایت همه را متقاعد کرده است که مصداقی آن افرادی خاص، و منحصر در خاندان علی (ع) و فاطمه (س) هستند و دیگران در این اصطلاح خاص مشمول عنوان «اهل بیت پیامبر (ص)» نمی‌شوند، هرچند از لحاظ لغوی در خاندان قابل اندراج‌اند.

نتیجه

به صورت یقینی اهل بیت (ع) شامل خانواده نسبی پیامبر (ص) است که با علی (ع) و فاطمه (س) آغاز می‌شود و با نسل آنها تا امام دوازدهم شیعیان استمرار می‌یابد. انتساب به بیت نبی مکرم اسلام (ص) دارای ملاک‌های اسلامی و قرآنی خاص است و

صرف اهل خانه بودن دلیل بر این انتساب خاص نیست. با معیارهای اعلام‌شده، همانند تحریم صدقه، که برای نکوداشت مقام اجتماعی اهل بیت (ع) است، به طور قطعی همسران پیامبر (ص) از شمول اهل بیت (ع) خارج می‌شوند. با توجه به استعمال اهل بیت (ع) در آیات و مصادیق خاص و ادبیات دانشمندان اسلامی، به‌ویژه اهل سنت، خاندان نسبی دیگر غیر از خاندان امام علی (ع) از این عنوان خارج می‌شوند. کسی در خصوص آیه تطهیر، مباحله یا حدیث ثقلین یا توکلاً و تبرأی شیعیان ادعا نکرده است که اهل بیت (ع) افراد غیرخاندان علی (ع) را شامل می‌شود. هرچند افرادی از دانشمندان اهل سنت با تکلف می‌کوشند ازواج و دیگر منسوبان پیامبر (ص) را ذیل عنوان «اهل بیت (ع)» وارد کنند، اما به هنگام استعمال و اطلاق کلام و معیارهای اعلام‌شده جز مفهوم شیعی را بیان نمی‌کنند. اهل سنت در هنگام استعمال تعبیر «اهل بیت» و اختلاف با شیعه و اطلاق اهل بیت (ع) که بدون قرینه صارفه است، در نهایت مفهوم شیعی را از این عنوان اصطیاد می‌کنند و این مفهوم قدر مسلم است و موارد دیگر از امور اختلافی و تا حدی بی‌ملاک است.

منابع

قرآن کریم.

- ابن ابی العز الحنفی، علی بن محمد (۱۹۸۴/۱۴۰۴). شرح العقیلة الطحاویة، حققها و راجعها: جماعة من العلماء، خرج احادیثها: محمد ناصر الدین الالبانی، بیروت: دار الكتاب العربی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳). من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن تیمیة، احمد بن عبد الحلیم (۱۳۲۱). منهاج السنة، مصر: المطبعة الكبرى الامیریة.
- ابن تیمیة، احمد بن عبد الحلیم (۱۹۸۷/۱۴۰۷). حقوق آل البيت، تحقیق: عبد القادر احمد عطا، بیروت: دار الكتب العلمیة، الطبعة الثانية.
- ابن حنبل، احمد (۱۹۹۴/۱۴۱۴). المسند، بیروت: دار الفكر، الطبعة الثانية.
- ابن حیون مغربی، نعمان بن محمد (۱۳۸۵). دعائم الاسلام و ذکر الحلال والحرام، قم: مؤسسة آل البيت (ع).
- ابن طاووس، علی بن یونس (۱۴۰۰). الطرائف فی معرفة الطوائف، قم: خیام.
- ابن فارس، احمد (بی‌تا). معجم المقانیس اللغة، بیروت: دار الجیل.
- ابن مغازلی، علی بن محمد (بی‌تا). مناقب ابن المغازلی الشافعی، بی‌جا: دار الاضواء.

- ابن منظور، محمد ابن مكرم (۱۴۱۴). *لسان العرب*، بيروت: دار صادر.
- ابوالحسن الاشعري، علي ابن اسماعيل (۱۴۰۰). *مقالات الاسلاميين واختلاف المصلين*، تصحيح: هلموت ريتز، بی‌جا: بی‌نا، چاپ سوم.
- البخاری، محمد ابن اسماعيل (بی‌تا). *الصحيح (صحيح بخاری)*، استانبول: المكتبة الاسلامية.
- حسکانی، عبید الله بن احمد (۱۴۱۱). *شواهد التنزيل لقواعد التفصيل*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- الخوری الشرتونی، سعید (۲۰۰۹/۱۴۳۰). *اقرب الموارد فی فصیح العربية والشوارد*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۰۵). *سير اعلام النبلاء*، بيروت: مؤسسة الوفاء.
- ذهبی، محمد بن احمد (بی‌تا). *میزان الاعتدال*، بيروت: دار المعرفة، بی‌تا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). *مفردات الفاظ القرآن*، بيروت: دار القلم.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۹۷۹). *اساس البلاغة*، بيروت: دار صادر.
- سیحانی، جعفر (بی‌تا). *اهل البيت*، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- الشهرستانی، محمد بن عبد الكريم (بی‌تا). *الملل والنحل*، بيروت: دار الفكر، ج ۱.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳). *الاحتجاج علی اهل اللجاج*، مشهد: نشر مرتضی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان*، تهران: ناصر خسرو.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴). *الامالی*، قم: دار الثقافة.
- طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*، بيروت: دار احیاء التراث العربی.
- عاملی (محقق کرکی)، علی بن حسین (۱۴۱۴). *جامع المقاصد فی شرح المقاصد*، قم: مؤسسة آل البيت (ع).
- فیومی، احمد ابن محمد (۱۴۰۵). *المصباح المنیر*، قم: مؤسسة دار الهجرة، چاپ اول.
- القرموشی، عمر بن صالح (۲۰۱۳/۱۴۳۴). *اهل البيت عند شیخ الاسلام ابن تیمیة*، مکه: مرکز التأسیل للدراسات والبحوث.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴). *تفسیر القمی*، قم: دار الکتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹). *الکافی*، قم: دار الحدیث.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة*، بيروت: دار احیاء التراث العربی.
- النیشابوری، مسلم بن حجاج (۱۹۹۶/۱۴۱۷). *الصحيح (صحيح مسلم)*، شرح: ابو ذکریا یحیی ابن شرف النووی، مکه المكرمة: مكتبة النزار.

